

The Role of the People-Centered Defense and Security Forces in West of Asia: Case Study: Lebanon's Hezbollah

Amir Hossein Vazirian¹

In the last half century, Lebanon has been one of the focal points of the West Asian crisis of the last half century for reasons such as the outbreak of the Civil War (1989-1975), the Israeli invasion and occupation of Lebanese territory (1982-2000), and the increasing involvement of foreign powers. This has had many consequences, including state instability and increased activism of People-Centered Defense and Security Forces. The formation of Lebanon's Hezbollah in the light of such developments is understandable and is seen as a response to the security crises in the country. In addition, Lebanon's geographical proximity to some of the Middle East crisis hotspots provided an area for Hezbollah to maneuver and act regionally. These events have turned Lebanon's Hezbollah into a full-fledged political and regional actor over the past two decades. The purpose of this article is to provide a comprehensive analysis of the nature of Lebanon's Hezbollah. To this end, this article uses the concept of Hybrid Actors to answer the question of what was the role of Lebanon's Hezbollah as a People-Centered Defense and Security actor in the West Asian region? The research findings show that Hezbollah has played an important role in the developments in West Asia by performing quasi-states (security, social services, participation in the political structure) and Non-State (participation in the Syrian war and Organizing resistance-axis Arab groups). It is necessary to mention that this research has been done by analytical-descriptive method.

Keywords: People-Centered Defense and Security Forces, Lebanon's Hezbollah, Islamic Republic of Iran, Military Deterrence, Axis of Resistance.

1. Ph.D. in Political Sciences, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran
Vazirian.amir@gmail.com



نقش بازیگران دفاعی - امنیتی مردم‌نهاد در تحولات غرب آسیا

مطالعه موردی: حزب‌الله لبنان

امیرحسین وزیریان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۰۳

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاه و سوم - زمستان ۱۴۰۰: ۵۷-۳۱

چکیده

لبنان در نیم قرن اخیر به دلایلی همچون وقوع جنگ داخلی (۱۹۸۹-۱۹۷۵)، تهاجم و اشغال خاک توسط رژیم صهیونیستی (۲۰۰۰-۱۹۸۲) و افزایش دخالت‌های قدرت‌های خارجی به یکی از کانون‌های بحران نیم قرن اخیر غرب آسیا تبدیل شده است. امری که پیامدهای بسیاری از جمله، ناپایداری نهاد دولت و افزایش کنشگری بازیگران دفاعی - امنیتی مردم‌نهاد را با خود به همراه داشته است. شکل‌گیری حزب‌الله لبنان در پرتو چنین تحولاتی قابل درک است و به مثابه پاسخی به بحران‌های امنیتی شکل گرفته در این کشور به شمار می‌رود. علاوه بر آن، مجاورت جغرافیایی لبنان با برخی از کانون‌های بحران غرب آسیا، موجب فراهم شدن فضای مانور و کنشگری منطقه‌ای برای حزب‌الله شد. این تحولات به تبدیل حزب‌الله لبنان به یک بازیگر تمام عیار سیاسی و منطقه‌ای در دو دهه گذشته منجر شده است. با این وصف، هدف از این پژوهش ارائه تحلیلی جامع از ماهیت حزب‌الله لبنان است. به این منظور، مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بهره‌گیری از مفهوم بازیگران ترکیبی در پی پاسخ به این سوال است که نقش حزب‌الله لبنان به عنوان یک بازیگر دفاعی - امنیتی مردم‌نهاد در منطقه غرب آسیا چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حزب‌الله به واسطه انجام کارویژه‌های ترکیبی شبه‌دولتی (تأمین امنیت داخلی، ارائه خدمات اجتماعی و مشارکت در ساختار سیاسی) و فرادولتی (مشارکت در جنگ سوریه و سازماندهی گروه‌های عرب‌زبان محور مقاومت) نقش مهمی در تحولات غرب آسیا ایفا کرده است.

کلید واژه‌ها:

بازیگران دفاعی - امنیتی مردم‌نهاد؛ حزب‌الله لبنان؛ جمهوری اسلامی ایران؛ بازدارندگی نظامی؛ محور مقاومت.

مقدمه

در نیم قرن اخیر افزایش شکنندگی دولت‌ها در منطقه غرب آسیا موجب ظهور بازیگران دفاعی - امنیتی مردم‌نهاد در کشورهای لبنان، عراق، سوریه و یمن شده است. این بازیگران در پاسخ به فرسایش و ناکارآمدی دولت‌های ملی در تأمین امنیت، حل بحران‌های فزاینده اجتماعی - سیاسی، ظهور جنگ داخلی و مداخلات قدرت‌های خارجی در امور داخلی به وجود آمده‌اند. به طور مشخص، در لبنان وقوع جنگ داخلی پانزده ساله، اشغال خاک این کشور توسط رژیم صهیونیستی و دخالت روز افزون آمریکا و اروپا موجب بحرانی شدن اوضاع شد. در پاسخ به این بحران، حزب‌الله لبنان، به عنوان مهم‌ترین بازیگر دفاعی - امنیتی مردم‌نهاد لبنان با حمایت ایران شکل گرفت و نقش مهمی در عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از مرزهای این کشور ایفا کرد. افزون بر آن، موفقیت در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و منطقه‌ای موجب ارتقاء جایگاه حزب‌الله از یک گروه امنیتی - دفاعی به یک بازیگر کلیدی در ساختار سیاسی لبنان و منطقه غرب آسیا شده است. آن‌چنان که امانوئل بون^۱ و الکساندر زاسپکین^۲ سفرای فرانسه و روسیه در لبنان از نقش مؤثر حزب‌الله در حفظ ثبات و امنیت این کشور سخن گفته‌اند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۵؛ خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹). از سوی دیگر حزب‌الله لبنان در دو دهه اخیر در تحولات منطقه غرب آسیا نیز نقش مهمی ایفا کرده است. اعمال بازدارندگی دفاعی مؤثر در برابر رژیم صهیونیستی به عنوان مهم‌ترین تهدید امنیتی لبنان و همراهی با محور مقاومت، از مهم‌ترین اقدامات این بازیگر دفاعی - امنیتی مردم‌نهاد به شمار می‌رود (دویچه وله فارسی، ۱۳۹۶).

درباره سرشت حزب‌الله لبنان، تحلیل‌هایی متفاوتی صورت گرفته است. برخی، با اشاره به ویژگی هویتی و ماهیت غیردولتی حزب‌الله لبنان، این گروه را در زمره یک جنبش سیاسی و اجتماعی قلمداد کرده‌اند. برخی دیگر نیز، با توجه به گره خوردن جوهره تشکیل حزب‌الله لبنان با مسائل امنیتی - نظامی، از این گروه به عنوان یک بازیگر شبه‌نظامی یاد کرده‌اند. در عین حال، در عموم تحلیل‌های چندسال اخیر عمدتاً غربی، تأکید زیادی بر ماهیت نیابتی حزب‌الله شده است. امری که به دلیل همراهی و مشارکت حزب‌الله لبنان در بحران سوریه به آن‌ها اطلاق شده است. فقدان دقت و جامعیت کافی و یک‌سویه‌نگری نهفته در این تحلیل‌ها، هدف اصلی از نگارش پژوهش حاضر بوده است که به ارائه تحلیلی جامع درباره ماهیت حزب‌الله لبنان، ضرورتی دوچندان بخشیده است. چرا که تحلیل‌های

1. Emmanuel Bonn
2. Alexander Zaspkin



دسته نخست، در حالی به ماهیت جنبشی حزب الله لبنان اشاره می‌کنند که تحولات یک دهه اخیر به خوبی نشان‌دهنده فراتر رفتن این گروه از سطح یک جنبش سیاسی و اجتماعی صرف است. از سوی دیگر، تحلیل‌های دسته دوم و سوم نیز تنها بر یک بعد حزب الله لبنان (نظامی یا نیابتی) معطوف است؛ در حالی که تقلیل حزب الله لبنان به یک گروه شبه‌نظامی یا نیابتی صرف، نمی‌تواند گویای کارکردهای این گروه باشد و این گروه ماهیت و ابعاد سیاسی، هویتی و اجتماعی مستقلی نیز دارد. به همین دلیل، به نظر می‌رسد که تحلیل حزب الله لبنان در چارچوب مفهوم «بازیگران ترکیبی»^۱ از قابلیت بیشتری برای تبیین ماهیت این گروه برخوردار باشد. این امر به این معناست که بازیگران دفاعی-امنیتی مردم‌نهادی چون حزب الله دو وجه دارند. وجه اول، معطوف به نقش‌آفرینی به عنوان یک بازیگر شبه‌دولتی در داخل است و وجه دوم، کنشگری به عنوان یک بازیگر فرادولتی در عرصه منطقه‌ای را در بر دارد. با چنین پیش‌زمینه‌ای، مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که نقش گروه‌های دفاعی-امنیتی مردم‌نهاد با محوریت حزب الله لبنان در تحولات غرب آسیا چه بوده است؟ فرضیه این پژوهش این است که حزب الله لبنان به عنوان یک بازیگر ترکیبی از طریق انجام کارویژه‌های شبه‌دولتی در داخل (تأمین امنیت داخلی، ارائه خدمات اجتماعی و مشارکت در ساختار سیاسی) و فرادولتی (مشارکت در جنگ سوریه و مدیریت گروه‌های عرب‌زبان محور مقاومت)، نقش مهمی در تحولات غرب آسیا ایفا کرده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره حزب الله لبنان به زبان انگلیسی و فارسی نگاشته شده است که می‌توان به‌طور کلی آن‌ها را در سه دسته طبقه‌بندی کرد. دسته نخست این پژوهش‌ها به تاریخچه تشکیل و تکوین حزب الله لبنان پرداخته و فراز و فرود آن را مورد کنکاش قرار داده است. از مشهورترین آثار این حوزه می‌توان به دو کتاب «حزب الله: یک تاریخ مختصر» نوشته ریچارد نورتون^۲ (۲۰۱۴) و کتاب «اسناد حزب الله: از نامه سرگشاده ۱۹۸۵ تا مانیفست ۲۰۰۹» از جوزف الآغا^۳ (۲۰۱۱) اشاره کرد. دسته دوم آثار منتشر شده درباره حزب الله لبنان به تحلیل جنگ سی و سه روزه و ابعاد آن اختصاص دارد. از جمله آثار این حوزه می‌توان از کتاب «درس‌هایی از جنگ ۲۰۰۶ اسرائیل - حزب الله» نوشته

1. Hybrid Actors
2. Richard Norton
3. Joseph Alagha

آنتونی کوردزمن (۲۰۰۷) و مقاله «جنگ ۳۳ روزه لبنان و بازیگران آن» از ابراهیم انوشه (۱۳۸۸) یاد کرد. دسته سوم آثار منتشر شده به تحلیل‌هایی درباره برخی از ابعاد و ویژگی‌های حزب‌الله لبنان از جمله مقبولیت و مشروعیت سیاسی، بازدارندگی دفاعی و منظومه فکری سیدحسن نصرالله اختصاص یافته است. به عنوان نمونه، مقاله «کارآمدی حزب‌الله لبنان در دستیابی به مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی» از جلال درخشه و علیرضا بیگی (۱۳۹۵)، «ارزیابی تغییرات الگوی بازدارندگی حزب‌الله در برابر رژیم صهیونیستی» از سعید ساسانیان (۱۳۹۷) و «دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سیدحسن نصرالله و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت» از محمد مبینی و بهزاد قاسمی (۱۳۹۸) با چنین رویکردی به نگارش درآمده‌اند. این آثار نامبردار در عین داشتن نقاط قوت و پرداختن به برخی وجوه حزب‌الله لبنان به صورت موردی، تمام ابعاد و زوایای حزب‌الله لبنان را پوشش نداده و نمی‌توان در آن‌ها ردی از ارائه تحلیلی جامع در باب ماهیت این گروه سراغ گرفت. به عنوان نمونه مسائلی از قبیل ساختار تشکیلاتی، ارائه خدمات اجتماعی، مشارکت در جنگ سوریه و روابط با سایر گروه‌های محور مقاومت در این آثار بررسی نشده است. به همین دلیل جای خالی یک پژوهش جامع درباره ماهیت و کارویژه‌های حزب‌الله به خوبی احساس می‌شود. بر این اساس، وجه تمایز این پژوهش نسبت به سایر آثار منتشر شده در این است که اولاً با ارائه یک چارچوب تئوریک مبتنی بر ادبیات نوین پژوهشی (بازیگر ترکیبی) ماهیت، ابعاد و کارویژه‌های مختلف این گروه را بررسی کرده است؛ ثانیاً در بررسی خود تحولات میدانی اخیر این گروه از جمله مشارکت در سوریه و روابط آن با گروه‌های مقاومت عراقی، فلسطینی و یمنی را نیز مد نظر قرار داده است.

مبانی نظری: بازیگران ترکیبی

دانش سیاست، نهاد دولت را به عنوان مهم‌ترین بازیگر سپهر سیاسی و مظهر رابطه قدرت و حاکمیت معرفی کرده است. در تمام تعاریف اندیشمندان سیاسی، دولت به مثابه یک موجودیت تجربی معرفی شده است که با نمایش مؤلفه‌هایی چون دارا بودن جمعیت دائمی، قلمرو مشخص، انحصار کاربرد قدرت مشروع و کارویژه‌های کلاسیک آن از قبیل حفظ امنیت و سازماندهی امور اقتصادی شناخته می‌شود. از جمله، ماکس وبر به عنوان یکی از اندیشمندان مهم جامعه‌شناسی سیاسی، دولت را موجودیتی ثابت و دارای سرزمین



تعریف کرده که تحت حاکمیت یک مرجع مرکزی دارای انحصار کاربرد قدرت مشروع است (وبر،^۱ ۲۰۰۴: ۳۳).

باین حال، تحولاتی همچون پایان جنگ سرد و گسترش جهانی شدن، موجب محدود شدن نقش دولت و افزایش کنشگری بازیگران غیردولتی در عرصه داخلی و بین‌المللی شد. این امر به این معنا بود که در عین تداوم نقش محوری دولت، بازیگران دیگری نیز وجود دارند که ضمن داشتن کارویژه‌هایی همچون دولت به دنبال نقش‌آفرینی در یک شبکه فرامرزی به منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌های سیاسی هستند (استیو اسمیت و دیگران، ۱۳۹۱: ۴).

این کنشگران که تحت عنوان «بازیگران غیردولتی»^۲ مشهور شدند، به سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که به طور مستقل از دولت در یک شبکه فرا مرزی فعالیت داشته و به عنوان یک بازیگر رقیب در برابر دولت‌ها محسوب می‌شوند. بنابر یک سنخ‌شناسی بازیگران غیردولتی که توسط کریستوفر هیل^۳ مطرح شده است، شرکت‌های چند ملیتی (جنرال موتورز)، گروه‌های فراملی ایدئولوژیک- فرهنگی (جنبش خلع سلاح هسته‌ای اروپا در دهه ۱۹۸۰) و بازیگران سیاسی- شبه‌نظامی (سازمان آزادی بخش فلسطین) از مهم‌ترین انواع بازیگران غیردولتی محسوب می‌شوند (هیل، ۱۳۸۷: ۲۸۱-۲۷۱).

آنچه از این سنخ‌شناسی برای پژوهش حاضر می‌تواند حائز اهمیت باشد، بازیگران سیاسی- شبه‌نظامی غیردولتی است که در سه دهه اخیر به ویژه در محیط آشوبناک غرب آسیا و شمال آفریقا رشد یافته است و بیش از همه، نشان دهنده تغییر روبنای سیاسی و به چالش کشیده شدن تقدم دولت به عنوان اصلی‌ترین واحد سیاسی است. باین حال، اصطلاح بازیگران سیاسی- نظامی غیردولتی که گاه به اختصار «گروه‌های شبه‌نظامی»^۴ خوانده می‌شود، طیف وسیعی از انواع گروه‌های مسلح همچون گروه‌های شورشی^۵، جنگ‌سالاران^۶ و گروه‌های نیابتی^۷ را دربردارد (مایرل^۸، ۲۰۱۴ و مامفورد ۲۰۱۳: ۴۲-۴۱). در عین حال، با توجه به تحولات سه دهه اخیر غرب آسیا، هیچ کدام از این طیف‌های ذکر شده توان درک و مفهوم‌سازی از ظهور نوع ویژه‌ای از بازیگران دفاعی- امنیتی

-
1. Weber
 2. Non-state actors
 3. Christopher Hill
 4. Militant groups
 5. Insurgents
 6. Warlords
 7. Proxy Groups
 8. Meyerle

مردم‌نهاد همچون حزب‌الله لبنان و حشد الشعبی عراق را ندارد. دلیل این امر این است که در دوران اخیر، موجودیت‌های سیاسی ظهور کرده‌اند که در عین استقلال از دولت، مبادرت به انجام برخی از کارویژه‌های آن کرده‌اند. امری که از آن به عنوان ظهور نوعی شبه‌دولت^۱ یاد شده است (جکسون^۲، ۱۹۹۱: ۲۹-۲۷).

این بازیگران، که در ادبیات نوین علم سیاست به بازیگران ترکیبی مشهور شده‌اند، محصول فرسایش ساختارهای رسمی و ایجاد دولت شکست خورده‌اند. ناکارآمدی و خلاء قدرت دولت، جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای بی‌پایان، مداخلات مداوم خارجی و در نتیجه تکه تکه شدن حاکمیت از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد بازیگران ترکیبی به شمار می‌رود. در چنین شرایطی، این بازیگران در صدد پر کردن خلاء امنیتی بر می‌آیند. امری که به بازتوزیع قدرت میان آن‌ها و دولت مرکزی می‌انجامد. این بازیگران مجهز به دو بال ایدئولوژی (عموماً مذهبی) و خودکفایی اقتصادی‌اند. در این معنا، مجهز بودن به یک ایدئولوژی که نشان از رسالت هویتی و اجتماعی آنان دارد، به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با مخابره پیام‌های ایدئولوژیک، دایره مخاطبان خود را گسترش دهند. در عین حال، خودکفایی اقتصادی آن‌ها که از طریق کمک‌های مردمی، برخی فعالیت‌های آزاد اقتصادی و حمایت‌های اقتصادی متحدین صورت می‌گیرد، موجب تأمین منابع مالی لازم برای جذب نیرو و انجام اقدامات مورد نظر می‌شود. این بازیگران اگرچه در ابتدا به دلیل خلاء امنیتی شکل گرفته ماهیتی نظامی-دفاعی دارند، اما به تدریج می‌کوشند تا با نشان دادن کارآمدی خود در حوزه امنیتی، کنشگری خود را به حوزه‌های اجتماعی و سیاسی تسری دهند. امری که نشان از علاقه آن‌ها برای تبدیل از یک بازیگر دفاعی-امنیتی صرف به یک بازیگر سیاسی دارد (بوتا^۳، ۲۰۱۲: ۳۱). این بازیگران تنها به دنبال کنترل برخی (نه همه) از حوزه‌های اقتدار دولت به منظور سهم‌شدن در ساختار قدرت و حک کردن نقش خود در فرآیند سیاستگذاری کشور هستند. بنابراین، آن‌ها به مثابه نوعی شبه‌دولت از برخی اختیارات قدرت نهاد دولت بهره‌مندند و سه کارویژه مهم را در این حوزه انجام می‌دهند:

الف) تأمین امنیت: ماهیت دفاعی-امنیتی این بازیگران به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا بتوانند بخشی از بازدارندگی نظامی از دست رفته دولت مرکزی در برابر یک دشمن خارجی یا گروه شورشی را برقرار سازند.

1. Quasi-State
2. Jackson
3. Bhuta



ب) ارائه خدمات اجتماعی: این بازیگران، با ارائه برخی خدمات آموزشی، بهداشتی و عمرانی سعی در پر کردن خلاء یک دولت کارآمد دارند که این امر به افزایش مقبولیت و سرمایه اجتماعی این بازیگران منجر می‌شود.

ج) مشارکت در ساختار سیاسی رسمی: این بازیگران، از مقبولیت اجتماعی ناشی از تأمین امنیت داخلی و ارائه خدمات اجتماعی به منظور مشارکت در ساختار سیاسی رسمی به منظور افزایش مشروعیت عمومی و به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک بازیگر سیاسی بهره می‌برند (کامبانیس^۱ و دیگران، ۲۰۱۹: ۱۷-۷).

در عین حال، بازیگران ترکیبی می‌کوشند تا با حفظ درجه‌ای از استقلال عمل از ساختارهای رسمی، ظرفیت‌های خود را منحصراً به آن خلاصه نکنند. به همین دلیل، علاوه بر فعالیت‌های شبه‌دولتی در برخی حوزه‌های فرادولتی نیز نقش‌آفرینی می‌کنند. این امر نتیجه روابط راهبردی بازیگران ترکیبی با یک دولت خارجی است که معمولاً با انگیزه‌های هویتی- راهبردی و در قالب مسائل آموزشی، دفاعی و حمایت سیاسی صورت می‌پذیرد. البته این روابط به معنای روابط نیابتی مبتنی بر الگوی حامی- پیرو نیست. باین حال، در مسائلی که منافع مشترک وجود دارد بین آن‌ها همسویی محسوسی قابل مشاهده است. امری که نشان از حاکم بودن الگوی اتحاد و شراکت میان آن‌ها دارد و زمینه همکاری‌های منطقه‌ای میان آن‌ها را فراهم می‌سازد. بنابراین نام‌گذاری آن‌ها به بازیگران ترکیبی، حکایت از این کارکرد دوگانه آن‌ها دارد. چرا که یک پا در دولت و ساختارهای سیاسی و یک پا در حوزه‌های کنشگری فرادولتی (خارج از دولت) دارند (سیغ^۲، ۲۰۱۸).

تکوین حزب‌الله لبنان

آشفستگی سیاسی و اجتماعی لبنان به واسطه جنگ داخلی، باعث بیداری و توانمند شدن جامعه شیعه‌ای شد که مدت‌ها به دلیل تسلط مسیحیان و اهل تسنن بر سپهر سیاسی و اجتماعی، نقش ثانویه‌ای داشتند. این جامعه شیعی، تحت تأثیر فرسایش قدرت دولت و از طریق ارتباط با گروه‌های مبارز فلسطینی به سمت کنشگری سیاسی سوق داده شد. در این دوران، چهره اصلی شیعیان لبنان امام موسی صدر بود که با تلاش‌های او، شورای عالی تشیع اسلامی و جنبش امل پایه‌گذاری شد (رئیس‌نژاد^۳، ۲۰۱۹: ۱۷۶-۱۷۴).

1. Cambanis
2. Sayigh
3. Reisinezhad

پس از سرنوشت نامعلوم امام موسی صدر، جامعه فعال و مبارز شیعه به ویژه پس از حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان در ۱۹۸۲ دچار سردرگمی شده بود. واقعیت‌های تهاجم رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان و هزینه سنگینی که بر اثر آن بر جامعه شیعی تحمیل شد، ضرورت مقاومت در برابر دشمن برتر نظامی را با استفاده از جنگ‌های نامتقارن بیش از پیش نمایان ساخت. همزمانی این وقایع با تحولات پس از پیروزی انقلاب ایران و عزم جمهوری اسلامی بر حمایت از ملل ستمدیده و گسترش نفوذ فرهنگی، فرصت بی‌ظنیری برای نزدیکی شیعیان دو کشور به وجود آورد. چرا که به روایت موسی فخر روحانی سفیر ایران در بیروت «لبنان مرکزیت کشورهای عرب غرب آسیا محسوب می‌شود و سکویی است که از آن طریق می‌توان ایده‌های مختلفی را به بقیه جهان عرب منتقل کرد. وجود یک جنبش اسلامی در این کشور به گسترش اسلام‌گرایی در سراسر جهان عرب منجر خواهد شد» (وزیری^۱، ۱۹۹۲: ۴).

بنابراین ایران به نفع برادران شیعه خود وارد عمل شد و ضمن فرستادن مستشاران نظامی سپاه پاسداران به دره بقاع در شرق لبنان، به ساماندهی و گسترش کمک‌های نظامی، آموزشی و مالی به شیعیان لبنان پرداخت. علاوه بر آن با اصرار ایران، حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه نیز از جنبش شیعیان لبنان به منظور مقابله با پیشروی‌های رژیم صهیونیستی حمایت کرد. معمار این راهبرد، علی اکبر محتشمی‌پور سفیر وقت ایران در سوریه و اجرای اولیه آن با احمد متوسلیان بود که طی چند هفته بعد از حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان، ناپدید شد (رانستورپ^۲، ۱۹۹۷: ۸۰-۷۹).

کمک‌های مستشاری ایران، چریک‌های جنگ‌زده لبنان را تقویت کرد. علاوه بر آموزش نظامی این ایدئولوژی، چارچوب سازمانی و پشتیبانی مادی بود که در ادغام گروه‌های پراکنده مبارز شیعه به عنوان یک گروه یکپارچه مقاومت در قالب حزب‌الله لبنان مؤثر واقع شد. با حمایت ایران، این گروه‌ها هسته اولیه حزب‌الله لبنان را تشکیل داد و در ۱۹۸۵ به‌طور رسمی اعلام موجودیت کردند. حزب‌الله در دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک نیروی نظامی به‌طور فزاینده‌ای رشد کرد و به عنوان پایدارترین مظهر مقاومت در برابر اشغال‌گری رژیم صهیونیستی درآمد. در دهه ۱۹۹۰ با وجود خلع سلاح شبه‌نظامیان لبنان پس از تصویب توافق طائف در ۱۹۸۹ (به منظور پایان بخشیدن به جنگ داخلی)، حزب‌الله با حمایت ایران - سوریه و به منظور داشتن اهرم بازدارنده در مذاکره با رژیم صهیونیستی بر سر

1. Vaziri
2. Ranstorp

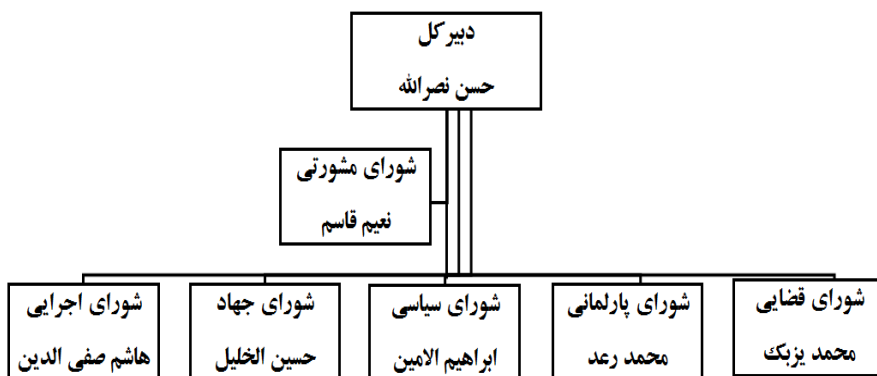


جولان اشغالی، وضعیت مسلح خود را حفظ کرد (شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۲۰۰۴).

حزب‌الله لبنان: ساختار تشکیلاتی، ایدئولوژی و منابع مالی - انسانی

از نظر ساختار تشکیلاتی، در رأس هرم قدرت حزب‌الله لبنان سید حسن نصرالله به عنوان دبیرکل قرار دارد. شورای مشورتی، حلقه میانی ساختار تشکیلاتی حزب‌الله است که در آن شش نفر (نعیم قاسم، هاشم صفی‌الدین، ابراهیم الامین، حسین خلیل، محمد یزبک و محمد رعد) عضویت دارند. این شورا عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری حزب‌الله در سطح ملی است که سیاستگذاری کلان و نظارت بر راهبردها و عملکردهای بخش‌های مختلف را بر عهده دارد. نعیم قاسم به عنوان رئیس شورا و جانشین دبیرکل و پنج نفر دیگر هرکدام مسئول بخش‌های پنجگانه ذیل این شورا (اجرایی، قضایی، پارلمانی، سیاسی و جهاد) هستند. بر این اساس، شورای اجرایی به ریاست هاشم صفی‌الدین به مثابه یک قوه مجریه عمل کرده و ضمن مدیریت عملکرد حزب‌الله، بر کلیه امور فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح ملی و استانی نظارت دارد. شورای قضایی به ریاست محمد یزبک به مثابه یک قوه قضاییه عمل کرده و به رفع حل و اختلافات، میانجیگری و داوری در دعوی حقوقی جامعه شیعیان می‌پردازد. شورای پارلمانی به ریاست محمد رعد بر عملکرد پارلمانی اعضای حزب‌الله، تأیید یا رد صلاحیت نامزدهای این گروه برای شرکت در انتخابات و هماهنگی میان اعضای پارلمانی در امر قانون‌گذاری نظارت دارد. شورای سیاسی به ریاست ابراهیم الامین وظیفه تدوین برنامه‌های سیاسی، سازماندهی کمیته‌های انتخاباتی، ایجاد اتحاد و ائتلاف‌های سیاسی و تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی را بر عهده داشته و به دبیرکل و شورای مشورتی راهبرد سیاسی ارائه می‌دهد. در نهایت نیز، شورای جهاد تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در امور نظامی حزب‌الله را بر عهده دارد. ریاست این شورا در ابتدا با عماد مغنیه بود و اکنون ریاست این سمت با حسین الخلیل است (بنیاد متحد علیه ایران هسته‌ای، ۲۰۱۹).

1. United Nations Security Council
2. United Against Nuclear Iran Foundation



شکل ۱. چارت تشکیلاتی حزب الله لبنان

ترسیم: نگارنده

از منظر ایدئولوژیکی، ساختار هویتی حزب الله سه بعد مهم را در بر دارد که از ابتدای تشکیل با آن عجین شده است. نخست ضدیت با رژیم صهیونیستی، دوم پایبندی به اندیشه ولایت فقیه و مصادیق آن و سوم نهادینه شدن فرهنگ مقاومت (الحسینی^۱، ۲۰۰۸: ۴۱۱-۳۹۹).

بعد نخست به ویژه پس از تهاجم رژیم صهیونیستی به خاک لبنان در سال ۱۹۸۲ و اشغال جنوب این کشور تا سال ۲۰۰۰ به بخش لاینفک ایدئولوژی حزب الله تبدیل شده است. ایهود باراک در تشریح ماهیت ضدصهیونیستی حزب الله معتقد است «وقتی ما وارد لبنان شدیم هیچ حزب الهی وجود نداشت. حضور ما در آن جا باعث به وجود آمدن آن‌ها شد» (نورتون^۲، ۲۰۰۷: ۴۷۸). بعد دوم ایدئولوژی حزب الله در سندی راهبردی تحت عنوان «نامه‌ای سرگشاده به تمام مستضعفان لبنان و جهان» در سال ۱۹۸۵ منعکس شده که در آن حزب الله تعهد خود را «نسبت به دستورات رهبری یگانه، حکیمانه و عادلانه ولی فقیه جامع الشرایط که در حال حاضر در شخص امام آیت الله العظمی روح الله موسوی الخمینی (دام ظلّه) تجسم یافته» اعلام داشته است (علاقا^۳، ۲۰۱۱: ۳۹-۴۰). در تداوم این سند، سید حسن نصرالله خود و تمام اعضای حزب الله را سرباز امام خامنه‌ای (مدظله العالی) معرفی کرده است (نصرالله، ۱۳۹۳).

بعد سوم، نهادینه شدن فرهنگ مقاومت به عنوان یک سبک زندگی فراگیر مؤمنانه است. آن چنان که به روایت دبیرکل حزب الله «یکی از عناصر قدرت ما فرهنگ مقاومت

1. El-Husseini
2. Norton
3. Alagha

است. مقاومت یک فرهنگ و باور راهبردی در همه جوانب است. کسانی که از مقاومت حمایت می‌کنند، فرزندان خود را در راه آن عرضه کرده، مراسم تشییع شهدای خود را نیز با غرور برگزار می‌کنند و شکیبایی به خرج می‌دهند. آن‌ها هنگامی که خانه‌هایشان ویران می‌شود و یا ثروتشان از بین می‌رود همچنان شکیبا هستند و از حمایت خود دست نمی‌کشند تا مقاومت بتواند رشد کند» (السید نصرالله، ۶، مایو ۲۰۱۶). ایدئولوژی مقاومت از طریق رسانه‌هایی چون شبکه تلویزیونی المنار، رادیو نور و سایت‌های گسترده حزب الله تبلیغ می‌شود. از نظر مالی بودجه حزب الله از دو طریق تأمین می‌شود: نخست از طریق کمک‌های مالی بازرگانان شیعه لبنان و مهاجران لبنانی ساکن در سایر کشورها، پرداخت وجوهات مذهبی مردمی و سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار و دوم حمایت‌های مالی جمهوری اسلامی ایران (ون انگلند^۱ و رودولف^۲، ۲۰۱۳: ۳۴-۳۳).

در مورد میزان حمایت‌های مالی ایران به حزب الله نیز گمانه‌زنی‌های بسیاری مطرح شده است که با توجه به نقش تعیین‌کننده جمهوری اسلامی ایران در تکوین و گسترش حزب الله و اذعان سید حسن نصرالله به حمایت‌های همه‌جانبه ایران، طبیعی به نظر می‌رسد (السید نصرالله، ۲۴، یونیو ۲۰۱۶). با این حال، برآوردها از ۴۰ میلیون دلار در سال‌های دهه ۱۹۹۰ به حدود ۱ میلیارد دلار پس از جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ متغیر بوده که بخش عمده آن به بازسازی لبنان و رسیدگی به امور غیر نظامی اختصاص یافته است (ناخول^۳، ۲۰۱۳). از نظر منابع انسانی نیز بر اساس برخی گزارشات، تعداد اعضای حزب الله بین ۴۵/۰۰۰-۲۵/۰۰۰ نفر برآورد شده است (مکینیس^۴، ۲۰۱۶).

حزب الله لبنان به عنوان یک بازیگر ترکیبی:

آن‌چنان که ذکر آن رفت، بازیگران ترکیبی به دلیل ماهیت خود یک پا در نهاد دولت و یک پا خارج از آن دارند. حزب الله لبنان نیز به عنوان یک بازیگر ترکیبی از این قاعده مستثنی نیست. بر این اساس، کارویژه‌های حزب الله در دو سطح قابل بررسی است: نخست، به مثابه نوعی شبه‌دولت در حوزه داخلی که به تأمین امنیت، ارائه خدمات اجتماعی و مشارکت در ساختار سیاسی پرداخته است. دوم، به عنوان یک بازیگر فرادولتی که با عضویت در محور مقاومت نقش مؤثری در معادلات منطقه‌ای ایفا کرده است. مشارکت در

1. Van Engeland
2. Rudolph
3. Nakhoul
4. Mcinnis

جنگ سوریه و مدیریت گروه‌های عرب‌زبان محور مقاومت مهم‌ترین نشانگان این امر محسوب می‌شود.



شکل ۲. مدل مفهومی: حزب‌الله لبنان به عنوان یک بازیگر ترکیبی

ترسیم: نگارنده

۱- کار ویژه‌های حزب‌الله به عنوان شبه‌دولت:

۱-۱- تأمین امنیت کشور از طریق ایجاد بازدارندگی نظامی در مقابل رژیم صهیونیستی: ناتوانی نیروهای نظامی در مقابله با تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان به واسطه غیبت یک دولت مقتدر، جنگ داخلی و مداخلات خارجی موجب تبدیل حزب‌الله به ستون اصلی تأمین امنیت و حراست از مرزهای این کشور شده است. در این راستا، ارتقای حزب‌الله از یک گروه چریکی به یک گروه نظامی ترکیبی (توانایی‌های متعارف و نامتعارف نظامی) در پرتو حمایت جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین تحولات تعیین‌کننده سه دهه اخیر منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. در طی دهه ۱۹۸۰، حزب‌الله به عنوان یک جنبش چریکی با استقامات علیه اشغال جنوب لبنان توسط رژیم صهیونیستی مبارزه کرد. این گروه، با بهره‌گیری از حدود ۵۰۰ رزمنده و با ترکیبی از جنگ چریکی و عملیات تهاجمی، درگیر مقابله با اشغال جنوب لبنان بود. اصلی‌ترین تاکتیک حزب‌الله در این دوران، بمب‌گذاری و عملیات شهادت‌طلبانه بود که در نهایت به عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از حومه بیروت و منطقه شوف به یک منطقه امنیتی ۸۵۰ کیلومتر مربعی در جنوب لبنان در سال ۱۹۸۵ منتهی شد (بلانفورد^۱، ۲۰۱۱: ۷۰-۶۴).

1. Blanford

دکترین، قابلیت‌ها و عملیات‌های حزب‌الله در دهه ۱۹۹۰ رشد قابل توجهی یافت. چرا که همسویی ایران و سوریه باعث شده بود که حزب‌الله بتواند در یک منطقه وسیع‌تر مستقر شده و به پشتیبانی لجستیکی و مادی ایمن و پایدار متکی باشد. در این دوران، حزب‌الله به منظور کسب قابلیت‌های نبردهای نامتقارن دو اقدام مهم انجام داد: نخست، کوشید با دوری از تمرکزگرایی شدید سازمانی به سمت عدم تمرکز گام بردارد. دوم، حزب‌الله به منظور افزایش فشار بر رژیم صهیونیستی، به طور فزاینده زرادخانه موشکی خود را با حمایت‌های ایران و سوریه گسترش داد. این موشک‌ها، توانایی هدف قراردادن زیرساخت‌های مهم رژیم صهیونیستی را داشت. توقف حملات رژیم صهیونیستی پس از عملیات خوشه‌های خشم و امضای تفاهم آتش‌بس میان حزب‌الله- رژیم صهیونیستی در آوریل ۱۹۹۶ از جمله نتایج موفقیت‌آمیز این دو اقدام به شمار می‌رود (مایر^۱، ۲۰۰۶). خروج رژیم صهیونیستی از لبنان (به جز مزارع شبعا)، حزب‌الله را وادار ساخت تا از طریق تهدید به مجازات بازدارندگی جدیدی در قبال تل آویو به اجرا بگذارد. از آن زمان حزب‌الله مدعی است که بر مقابله با نقض حاکمیت لبنان توسط رژیم صهیونیستی و ایجاد توازن قدرتی که نیروهای رسمی ارتش لبنان نتوانستند در برابر رژیم صهیونیستی ایجاد کنند تمرکز دارد (سوبلمن^۲، ۲۰۰۴: ۸۲-۶۷). از این رو ضمن تأکید بر تداوم جنبش مقاومت، به سمت ایجاد زیرساخت‌های دفاعی در جنوب و شرق لبنان (به ویژه در جنوب رودخانه لیتانی^۳) به منظور جلوگیری از تهاجمات زمینی رژیم صهیونیستی و همچنین استقرار رو به افزایش موشک‌های خود برای تهدید زیرساخت‌های رژیم اشغالگر قدس مبادرت ورزید. این اقدامات به تلاش‌های مهندسی و لجستیکی نیاز داشت که با حمایت ایران در زمینه ارتقا کیفی زیرساخت‌های دفاعی حزب‌الله ممکن شد. از این رو، جهاد البناء به عنوان بازوی عمرانی حزب‌الله، شبکه‌ای از تونل، انبارهای تسلیحاتی و استحکامات پدافندی را ایجاد کرد. از سوی دیگر، توانمندی موشکی حزب‌الله به عنصر اصلی بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی تبدیل شد. آن چنان که، توانایی موشکی آن‌ها که به گفته مقامات رژیم صهیونیستی شامل ۱۳۰۰۰ موشک کوتاه برد و ۳۷ پرتابگر موشک در جنوب و جنوب شرقی لبنان بود، پیامدهای روانشناختی عمیقی بر اذهان سیاستمداران رژیم صهیونیستی نهاد. این امر بدین معنا بود که برای نخستین بار، حزب‌الله می‌توانست غیرنظامیان و

-
1. Myre
 2. Sobelman
 3. Litani River

زیرساخت‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی را در معرض یک خطر پایدار قرار دهد (کوردزمن^۱، ۲۰۰۷: ۱۲). این آمادگی رزمی در جریان جنگ ۳۳ روزه مورد آزمایش قرار گرفت. در این جنگ با وجود تخریب تقریباً کامل موشک‌های برد متوسط به وسیله پدافند هوایی رژیم صهیونیستی در اوایل جنگ، حزب‌الله موفق شد بیش از ۱۰۰ موشک در روز و در حدود ۴۰۰۰ در کل جنگ را به سرزمین‌های اشغالی شلیک کند. بنا بر گزارشات، بر اثر حملات حزب‌الله بیش از ۲۵۰/۰۰۰ غیرنظامی رژیم صهیونیستی مجبور به تخلیه مناطق خود و حدود یک میلیون دیگر نیز به پناهگاه‌های امن فرستاده شدند (روبین^۲، ۲۰۰۶). نقطه اوج این جنگ در شلیک یک فروند موشک ضد کشتی نور^۳ ساخت ایران به سمت ناوچه رژیم صهیونیستی ساعر^۴ پس از محاصره دریایی لبنان بود که منجر به کشته شدن چهار نفر و وارد شدن آسیب شدید به ناوچه شد (گاردنر^۵، ۲۰۰۶). نتیجه راهبردی جنگ ۳۳ روزه، محک خوردن موفقیت‌آمیز توانمندی نظامی حزب‌الله و ایجاد زمینه‌ای برای بازسازی، افزایش توان و آماده‌سازی رزمی بود. در سال‌های پس از جنگ ۳۳ روزه نیز، توانمندی موشکی - پهپادی حزب‌الله سهم عمده‌ای در ممانعت از شروع یک جنگ تمام‌عیار از طریق تحمیل هزینه‌های سنگین در طول درگیری احتمالی با رژیم صهیونیستی ایفا کرده است. در این راستا، شلیک مداوم موشک‌ها در جهت اهداف سیاسی - روانی و به منظور غلبه بر سیستم پدافند موشکی رژیم صهیونیستی (به ویژه سامانه گنبد آهنین^۶ برای موشک‌های کوتاه برد و سامانه فلاخن داوود^۷ برای موشک‌های برد متوسط) و منحرف کردن ارتش رژیم صهیونیستی طراحی شده است. علاوه بر آن، هدف دیگر حزب‌الله از شلیک موشک فلج کردن فعالیت‌های اقتصادی در شمال رژیم صهیونیستی و فرسایش اراده جنگیدن نیروهای نظامی این کشور است. سرمایه‌گذاری حزب‌الله در پروژه موشک‌های نقطه‌زن دقت، رژیم صهیونیستی را مجبور به استقرار سیستم‌های دفاع موشکی به منظور حراست از زیرساخت‌ها و تأسیسات مهم نظامی کرده است (موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک^۸، ۲۰۱۹: ۶۳-۵۹).

1. Cordesman
2. Rubin
3. Noor Anti-ship Missile
4. Sa'ar 5-class corvette
5. Gardner
6. Iron Dome
7. Sling David
8. International Institute for Strategic Studies



جدول ۱. ارزیابی ظرفیت و قابلیت‌های نظامی حزب‌الله: ۱۹۸۲-۲۰۱۹

دوره زمانی	دشمن اصلی	چگونگی نبرد	تاکتیک نظامی	سلاح به کار رفته	نقش ایران
۱۹۸۲ الی ۱۹۹۰	رژیم صهیونیستی	جنگ چریکی	جنگ چریکی / بمب گذاری / عملیات / شهادت طلبانه	پراکت / نارنجک	سازماندهی، آموزش و حمایت تسلیحاتی
۱۹۹۱ الی ۲۰۰۰	رژیم صهیونیستی	جنگ چریکی / واداشتن به عقب نشینی	جنگ چریکی / پرتاب موشک	سلاح‌های ضدتانک / آتش توپخانه	سازماندهی، آموزش و حمایت تسلیحاتی
۲۰۱۱ الی ۲۰۱۹	رژیم صهیونیستی	بازدارندگی / دفاع	جنگ در محیط روستایی / نبرد موشکی	سلاح‌های سبک / موشک ضد کشتی / آتش توپخانه / راکت / موشک برد کوتاه و متوسط	سازماندهی، آموزش و حمایت تسلیحاتی
۲۰۰۱ الی ۲۰۱۱	رژیم صهیونیستی	بازدارندگی / دفاع	جنگ در محیط روستایی / نبرد موشکی	موشک ضد تانک هدایت شونده / موشک ضد کشتی / آتش توپخانه / راکت / موشک برد کوتاه و متوسط سطح به سطح	سازماندهی، آموزش و حمایت تسلیحاتی

Source: International Institute for Strategic Studies, 2019:63

۱-۲- ارائه خدمات اجتماعی به شهروندان:

ضعف شدید دولت شکست خورده لبنان در ارائه تسهیلات به شهروندان و محرومیت شدید شیعیان از حداقل امکانات رفاهی، موجب ارائه خدمات اجتماعی در حوزه‌های مختلفی از قبیل توسعه زیرساخت‌ها، بازسازی مناطق جنگ‌زده، محرومیت‌زدایی، بهداشتی، آموزشی و مدیریت امور شهری (آب، برق و مدیریت پسماند) از سوی حزب‌الله شده است. اهمیت این امر زمانی مشخص می‌شود که بدانیم در طی حملات رژیم

صهیونیستی به جنوب لبنان خسارات زیادی وارد شده بود. بر اثر این حملات پنج شهر شیعه‌نشین جنوب لبنان یعنی صور^۱، نبطیه^۲، بنت جمیل^۳، حاصبیا^۴ و تبنین^۵ به شدت آسیب دیده بود. در این شهرها و روستاهای مجاورشان حدود ۱۰/۰۰۰ خانه به‌طور کامل و ۲۵/۰۰۰ خانه تا حدود زیادی ویران شده بود. افزون بر آن، ۱۰ روستا نیز با خاک یکسان شده بود (طارمی، ۱۳۹۸؛ ۱۱۷-۱۱۶).

در چنین شرایطی، حزب‌الله به تشکیل چند نهاد خیریه به منظور ارائه خدمات اجتماعی به شهروندان همت گمارد. جهادالبننا، جمعیت خیریه اسلامی امداد لبنان، سازمان بهداشت اسلامی، بنیاد شهید و انجمن زنان از مهم‌ترین نهادهای شکل گرفته به منظور ارائه خدمات اجتماعی و محرومیت‌زدایی به شمار می‌رود. جهادالبننا با الگوبرداری از سازمان جهاد سازندگی ایران، وظیفه بازسازی ویرانی‌های ناشی از حملات رژیم صهیونیستی، جنگ داخلی و رسیدگی به نیازهای شیعیان در سه منطقه اصلی دشت بقاع در شمال شرقی، ضاحیه در بیروت و جنوب لبنان را بر عهده داشته است. پروژه آب‌رسانی به منطقه شیعه‌نشین ضاحیه در بیروت از مهم‌ترین اقدامات جهادالبننا در دهه ۱۹۹۰ بود که به عقیده بسیاری از کارشناسان باعث جلوگیری از بروز یک فاجعه اجتماعی در جنوب لبنان شد (هاریک^۶، ۲۰۰۶: ۲۷۵-۲۷۳). جهادالبننا بعد از جنگ ۳۳ روزه نیز، نقش مهمی در بازسازی مناطق آسیب‌دیده، خدمت‌رسانی به شهروندان در حوزه تأمین برق، لوله‌کشی آب بهداشتی، مدیریت پسماند و تأمین هزینه‌های اجاره‌خانه برای خانواده‌های خسارت دیده داشت (آلرز، ۲۰۰۶).

جمعیت خیریه اسلامی امداد لبنان، دیگر نهاد حزب‌الله است که با الگوبرداری از کمیته امداد امام خمینی (ره) در پی کاهش محرومیت شیعیان لبنان از طریق ارائه خدمات به کودکان بی‌سرپرست، کمک مالی به خانوارهای کم‌بضاعت، تأمین نیازهای اولیه مناطق محروم و اطعام مساکین در ماه مبارک رمضان بوده است. به گفته محمد برجای ریاست این نهاد، بیش از ۱۰/۰۰۰ خانواده همراه با ۴/۰۰۰ کودک بی‌سرپرست تحت پوشش این خیریه قرار دارند (برجای، ۱۳۹۷). در جدیدترین اقدام در این حوزه، با توجه به بحران شدید اقتصادی و کمبود مواد غذایی در لبنان، حزب‌الله با یاری گرفتن از ایران توانست با

1. Tyre
2. Nabatieh
3. Bint Jbeil
4. Hasbaya
5. Tebnine
6. Harik



ایجاد فروشگاه‌های تعاونی زنجیره‌ای «السجاد» در بیروت، جنوب لبنان و دره بقاع، کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را با قیمت ارزان در اختیار اقشار کم‌درآمد قرار دهد (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۰). همچنین سازمان بهداشت اسلامی در مسائل بهداشتی و درمانی، بنیاد شهید و امور جانبازان در زمینه حمایت از خانواده‌های شهدا و رزمندگان مقاومت و انجمن زنان نیز در حوزه پشتیبانی از زنان بی‌سرپرست و آسیب‌دیده به شهروندان خدمات ارائه می‌دهند (لاو، ۲۰۱۰: ۲۴).

جدول ۲. سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی حزب‌الله لبنان

سازمان	خدمات
جهاداللبنا	توسعه زیرساخت‌ها، بازسازی مناطق آسیب‌دیده، مدیریت امور شهری
جمعیت خیریه اسلامی امداد لبنان	فقرزدایی از مناطق و خانواده‌های محروم
سازمان بهداشت اسلامی	ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان یا ارزان به شیعیان و سایر مذاهب
بنیاد شهید و امور جانبازان	حمایت از خانواده‌های شهدا، جانبازان و ایثارگران مقاومت اسلامی
انجمن زنان	کمک به ارتقا رفاه اجتماعی و حقوق زنان، حمایت از زنان بی‌سرپرست

Source: Love, 2010:24

۱-۳- مشارکت در سپهر سیاسی لبنان:

پس از پایان جنگ داخلی، حزب‌الله کوشید ضمن حفظ کارویژه خود به عنوان یک سازمان دفاعی- امنیتی در سپهر سیاسی لبنان نیز مشارکت کند. این امر ریشه در دو مسئله داشت: نخست اینکه پس از تهاجم رژیم صهیونیستی به خاک لبنان، حزب‌الله توانسته بود در پرتو مبارزه با رژیم صهیونیستی و ارائه برخی خدمات اجتماعی محبوبیت خود را گسترش دهد. دوم اینکه انعقاد توافق طائف به مثابه یک میثاق ملی برای خاتمه جنگ داخلی موجب افق‌گشایی و تغییر ساختار سیاسی در جامعه متکثر لبنان شده بود. این بدین معنا بود که در پرتو این توافق، کرسی‌های نمایندگی پارلمان ضمن ارتقا به ۱۲۸ نفر، به طور مساوی میان مسلمانان و مسیحیان تقسیم شد. مضاف بر آنکه تقسیم مناصب سیاسی (رئیس جمهور مسیحی، نخست وزیر اهل سنت و رئیس پارلمان شیعه) نیز همچنان تداوم یافته بود. این توافق به شدت بر افزایش قابلیت‌های شیعیان لبنان تأثیر نهاد و حزب‌الله را برای ایجاد یک جناح سیاسی به منظور مشارکت در انتخابات پارلمانی سال

۱۹۹۲ و گسترش نقش آفرینی در ساختار سیاسی کشور ترغیب کرد (وینسلو^۱، ۱۹۹۶: ۸۲-۸۲). حضور پارلمانی حزب الله از سال ۱۹۹۲ آغاز و تا امروز تداوم داشته است.

جدول ۳. حضور پارلمانی حزب الله لبنان

سال	تعداد نمایندگان در پارلمان	توازن قدرت در پارلمان
۱۹۹۲	۱۲	به نفع حزب الله
۱۹۹۶	۹	به نفع حزب الله
۲۰۰۰	۱۲	به نفع حزب الله
۲۰۰۵	۱۴	به ضرر حزب الله
۲۰۰۹	۱۲	به ضرر حزب الله تا ۲۰۱۱
۲۰۱۸	۱۳	به نفع حزب الله

Source: International Institute for Strategic Studies, 2019:63

از سوی دیگر، عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان (۲۰۰۰) و خروج نیروهای سوریه به واسطه انقلاب سدر (۲۰۰۵) موجب افزایش نفوذ سیاسی و اجتماعی و زمینه‌ساز مشارکت حزب الله در قوه مجریه شد. این امر به ویژه پس از همسویی سیاسی حزب الله با دو گروه جنبش میهنی آزاد و امل در قالب ائتلاف ۸ مارس، روند پرشتایی به خود گرفت. حاصل این نقش آفرینی جدید، در اختیار گرفتن وزارت‌خانه‌های کلیدی همچون وزارت بهداشت، کشاورزی، توسعه و ورزش و جوانان بوده است. امری که حزب الله را یک حزب دولت‌ساز تبدیل کرده و تشکیل هر دولتی بدون حضور آن‌ها را غیرممکن ساخته است (مکساد^۲، ۲۰۲۰).

۲- کار ویژه‌های حزب الله به عنوان بازیگر فرادولتی:

نقش آفرینی به عنوان یک بازیگر فرادولتی، بخش دیگری از ماهیت و کارویژه حزب الله لبنان به عنوان یک بازیگر ترکیبی به شمار می‌رود. امری که بازتاب آن در عضویت حزب الله در مجموعه امنیتی محور مقاومت قابل مشاهده است. همراهی حزب الله در دو

1. Winslow
2. Maksad

زمینه مشارکت در جنگ سوریه و سازماندهی گروه‌های غیردولتی عربی به نیابت از جمهوری اسلامی ایران به مثابه رهبر محور مقاومت، بسیار برجسته بوده است:

۲-۱- مشارکت در جنگ سوریه:

وقوع ناآرامی‌های سوریه و درگیری چند بازیگر منطقه‌ای، نشان از عزم تمام بازیگران دخیل در آن به منظور ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی و امنیتی منطقه غرب آسیا داشت. حزب‌الله، در ماه‌های آغازین بحران سوریه تمایلی به حضور در این بحران از خود نشان نداد. علت این امر دو چیز بود: نخست این که بر اساس اعلامیه بعداً^۱ که مورد توافق همه جناح‌های سیاسی قرار گرفته بود، لبنان باید از سیاست بی‌طرفی و برکنار ماندن از تمام منازعات منطقه‌ای پیروی می‌کرد (دویچه وله فارسی، ۱۳۹۲). دوم اینکه حزب‌الله معتقد بود که حضور در سوریه و ایفای نقش نظامی می‌توانست آمادگی آن‌ها را در برابر دشمن اصلی (رژیم صهیونیستی) تضعیف سازد. چرا که تاکنون راهبرد نظامی حزب‌الله بر جبهه جنوبی (رژیم صهیونیستی) معطوف بود و در صورت حضور در بحران سوریه باید بخشی از راهبرد نظامی بر مرزهای شرقی متمرکز می‌شد. باین حال دورنمای به قدرت رسیدن اعراب سنی یا تکفیری‌های سلفی در مرزهای مجاور و احتمال اختلال در خطوط مواصلاتی کریدور محور مقاومت (تهران - بغداد، دمشق و بیروت) موجب همراهی حزب‌الله با محور مقاومت به رهبری ایران و مشارکت در جنگ سوریه شد. این همراهی از این مسئله نشئت می‌گرفت که حزب‌الله معتقد بود به قدرت رسیدن اعراب سنی و تکفیری‌های سلفی به خطر افتادن امنیت لبنان و جمعیت شیعیان آن را به همراه خواهد داشت. سید حسن نصرالله در این زمینه به صراحت اعلام کرد که «اگر در سوریه نمی‌جنگیدیم ناچار بودیم که در هرمل^۲، بلعبک^۳، ضاحیه، غازیه^۴، دره بقا^۵ و جنوب لبنان با دشمن بجنگیم» (نصرالله، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، حزب‌الله معتقد بود در صورت از دست رفتن سوریه، کریدور ارتباطی محور مقاومت و هدف نهایی آن (آزادسازی قدس) با اختلال مواجه خواهد شد. دبیرکل حزب‌الله در این زمینه خاطر نشان کرد: «جاده قدس از قلمون، حلب^۶، درعا^۷،

-
1. Baabda Declaration
 2. Hermel
 3. Baalbek
 4. Ghaziyeh
 5. Beqaa Valley
 6. Aleppo
 7. Daraa

حسکه^۱ و سویدا^۲ عبور می‌کند. اگر سوریه از بین برود، فلسطین بیش از پیش از دست خواهد رفت» (لفرانس ۲۴، ۲۰۱۵).

در طی دو سال، حزب‌الله توانست نیروی بزرگی را به سوریه اعزام کند. مشارکت در عملیات‌های مهمی چون قصیر (۲۰۱۳)، آزادسازی حلب (۲۰۱۶) و دیرالزور (۲۰۱۷) بخشی از فعالیت‌های حزب‌الله به عنوان عضوی از محور مقاومت در سوریه به شمار می‌رود. مهم‌ترین دستاورد نبرد سوریه برای حزب‌الله کسب تجربه عملیات‌های آفندی، نمایش اقتدار نظامی، جلوگیری از سقوط بشار اسد به مثابه یک متحد راهبردی و حفظ کریدور ارتباطی محور مقاومت بود (ساسانیان، ۱۳۹۷؛ ۵۳-۴۳).

۲-۲- سازماندهی سایر بازیگران عرب‌زبان محور مقاومت:

یکی دیگر از کارویژه‌های فرادولتی حزب‌الله لبنان، سازماندهی گروه‌های غیردولتی عرب‌زبان محور مقاومت به نیابت از جمهوری اسلامی ایران است. جایگاه ویژه حزب‌الله لبنان در مجموعه امنیتی محور مقاومت، روابط نزدیک و عاطفی سیدحسن نصرالله با مقامات سیاسی ایران به ویژه رهبر انقلاب (مدظله العالی) و سپهبد شهید قاسم سلیمانی، هویت عربی و شجره‌نامه سیاسی- نظامی به این گروه اجازه داده تا بتواند در راه گسترش و حمایت از اندیشه و گروه‌های مقاومت منطقه غرب آسیا، نقش بی‌بدیلی ایفا کند. این گزاره، در سخنان سرتیپ شهید حسین همدانی به صراحت آمده است که «حضرت آقا (مدظله) فرموده بودند که سیاست‌های کلان محور مقاومت و سوریه، زیر نظر سید حسن نصرالله باشد» (بابایی، ۱۳۹۶؛ ۴۴۲-۴۴۱). ایفای این نقش به حزب‌الله اجازه داده تا بتواند با اقدامات خود زمینه حضور سایر بازیگران جبهه مقاومت را در یک درگیری احتمالی فراهم سازد. در ژوئن ۲۰۱۷ سید حسن نصرالله برای نخستین بار این چشم‌انداز را به صورت صریح اعلام کرد: «دشمن ما رژیم صهیونیستی باید بداند که اگر جنگ آن‌ها علیه سوریه یا لبنان آغاز شود مشخص نیست که این نبردها لبنانی، اسرائیلی یا سوری خواهد ماند. این امر می‌تواند راه را برای هزاران و حتی صدها هزار رزمنده مسلمان از سراسر جهان اسلام مانند عراق، یمن، ایران، افغانستان، پاکستان باز کند» (رویترز^۳، ۲۰۱۷). از این رو، حزب‌الله سال‌های متمادی است که میزبان رهبران و خانواده‌های گروه‌های مقاومت در لبنان است و سازماندهی گروه‌های عراقی، یمنی و فلسطینی را بر عهده دارد:

1. Hasakah
2. Suwayda
3. Reuters



در راستای راهبرد محور مقاومت به رهبری ایران برای افزایش عمق بخشی در عراق و ارتباط با جامعه شیعه، حزب‌الله به تهران در پرورش طیف گسترده‌ای از گروه‌های مقاومت یاری رسانده است. حزب‌الله به دو علت مهم در عراق پسا صدام حضور یافت: نخست اینکه این امر را مقاومت در برابر یک قدرت اشغال‌گر (آمریکا) می‌دانست که این مسئله بازتابی از فلسفه وجودی حزب‌الله (مقابله با اشغالگری رژیم صهیونیستی) محسوب می‌شد. دوم اینکه ارتباط با گروه‌های مقاومت عراق می‌توانست افزایش نفوذ منطقه‌ای حزب‌الله را از طریق پیوند شیعیان دو کشور به همراه داشته باشد. از آنجا که عراق به دلیل مجاورت جغرافیایی با ایران مهم‌ترین دغدغه امنیتی ایران محسوب می‌شود، تمام تلاش حزب‌الله در بغداد به اتحاد رساندن جناح‌های شیعه از طریق سازمان بدر به مثابه شریک راهبردی خود به منظور تشکیل دولتی همسو با منافع ایران بوده است (موسسه امریکن اینترپرایز^۱، ۲۰۱۸). نکته مهم دیگر، حمایت‌های حزب‌الله از گروه‌های عراقی همچون عصاب اهل الحق در زمینه استخدام، بسیج نیرو، ساختار فرماندهی و تعاملات سیاسی در دوران آشفتگی‌های عراق است. این روابط باعث شد تا در اوج درگیری‌های سوریه در سال ۲۰۱۵، حزب‌الله به واسطه کمبود نیرو دست یاری به سوی گروه عصاب اهل الحق دراز کند و آن‌ها را برای مقابله با داعش به حلب فراخواند (دهقان‌پیشه^۲، ۲۰۱۴). این ارتباطات موجب همگرایی راهبردی گروه‌های عراقی با اهداف محور مقاومت از جمله مقابله با رژیم صهیونیستی شده است. به عنوان نمونه قیس خزعلی فرمانده گروه عصاب اهل الحق، در دیداری از لبنان اعلام کرد: «من در دروازه فاطمه در کفر کیلا^۳ در مرزی هستم که جنوب لبنان را از فلسطین اشغالی جدا می‌سازد. من در اینجا با برادرانم در حزب‌الله هستم تا آمادگی کامل خود را برای ایستادن در کنار مردم لبنان با هدف آزادی فلسطین از اشغال ناعادلانه رژیم صهیونیستی اعلام کنم» (اسپیر^۴، ۲۰۱۷).

- یمن:

توجه حزب‌الله به جنبش حوثی‌ها در امتداد علائق راهبردی ایران نسبت به این گروه بود. اهمیتی که حزب‌الله به جنگ یمن داده ناشی از به وجود آمدن فرصت برای گسترش مقاومت اسلامی و مقابله کم‌هزینه با عربستان سعودی به عنوان دشمن رهبر محور

1. American Enterprise Institute
2. Dehghanpishheh
3. Kafr Kila
4. Spyer

مقاومت بود. از نظر عملیاتی، بر اساس ارزیابی برخی منابع غربی، افسران حزب‌الله در یمن حضور یافته و به آنان آموزش نظامی دادند. علاوه بر این حزب‌الله پناگاه‌های امنی در خارج از یمن در اختیار اعضای رده بالای حوثی‌ها قرار داده است. به گونه‌ای که چندین رهبر بلند پایه حوثی در اطراف بیروت و در محله‌های تحت کنترل حزب‌الله ساکن شده‌اند (تحقیقات پیو^۱، ۲۰۱۷). همچنین بخش رسانه‌ای حوثی‌ها که مهم‌ترین آن شبکه تلویزیونی «المسیره» است در مجموعه رسانه‌ای حزب‌الله در بیروت قرار دارد. از سوی دیگر، تأثیر حزب‌الله در تصاویر و مضامین پخش شده شبکه المسیره مشهود است. آن‌چنان که عبدالملک حوثی رهبر این گروه در مصاحبه‌ای از آمادگی خود برای همراهی با حزب‌الله در جنگ با رژیم صهیونیستی سخن گفته است (الحوثی^۲، ۲۰۱۸).

- فلسطین:

از آنجا که حزب‌الله، رژیم صهیونیستی را به عنوان یک رژیم اشغالگر و به مثابه ابزار ایالات متحده برای تحقق هژمونی خود در غرب آسیا می‌شناسد، از نظر عملیاتی کوشیده است تا از طریق حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی مبارزه با رژیم صهیونیستی را تداوم بخشد. در میان گروه‌های مقاومت فلسطینی، حماس به دلیل اعتقاد به التزام دین و سیاست نامشروع دانستن رژیم صهیونیستی و نگاه منفی به غرب بیشترین نزدیکی را با محور مقاومت داشته است. از این‌رو، حزب‌الله به نیابت از جبهه مقاومت به آن‌ها کمک‌های مالی و تسلیحاتی کرده است (خوری^۳، ۲۰۱۷).

اگرچه روابط حماس با ایران به عنوان رهبر محور مقاومت پس از بحران سوریه به دلیل حمایت‌های این گروه از مخالفان اسد تیره شد، با این‌حال حزب‌الله پس از شکست جریان اخوان المسلمین در منطقه کوشید حماس را در مدار محور مقاومت به رهبری ایران حفظ کند. آن‌چنان که یحیی سنوار رهبر حماس در غزه در اکتبر ۲۰۱۷ اعلام کرد «روابط ما با ایران بسیار خوب است. ایران بزرگ‌ترین حامی تیپ عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) است. روابط رو به توسعه ما به آنچه در سابق بوده است بازگشته است» (المغربی^۴، ۲۰۱۷). علاوه بر حماس برقراری روابط با برخی گروه‌های کوچک‌تر ساکن در نوار غزه همچون جهاد اسلامی و به ویژه جنبش تازه تأسیس «حرکت الصابرين» از دیگر تلاش‌های حزب‌الله در این زمینه بوده است.

1. Pew Research Center
2. Al-Houthi
3. Khoury
4. Al-Mughrabi



نتیجه‌گیری

این مقاله نشان داد که ظهور حزب‌الله لبنان به عنوان یک بازیگر دفاعی - امنیتی مردم‌نهاد، در درجه اول محصول فضای آشوبناک نیم قرن اخیر لبنان است که به واسطه فرقه‌گرایی داخلی، تهاجم رژیم صهیونیستی، ناتوانی دولت در تأمین امنیت و خدمات اجتماعی و مداخلات روزافزون دولت‌های خارجی با بحران روبه‌رو بوده است. در این چارچوب، تشکیل حزب‌الله لبنان به مثابه پاسخی به ناتوانی دولت مرکزی در مقابله با تهدیدات امنیتی و تأمین ثبات داخلی محسوب می‌شود. به این معنا که این گروه به مثابه یک بازیگر ترکیبی و در نقش یک شبه‌دولت کوشیده است تا از طریق مقابله با تهدیدات امنیتی، ارائه خدمات اجتماعی و مشارکت در ساختار سیاسی ثبات و امنیت نسبی را به لبنان بحران‌زده بازگرداند. علاوه بر آن، حزب‌الله لبنان در نقش یک بازیگر فرادولتی و به واسطه تعلقات هویتی اسلام‌گرایانه کوشیده است تا با همراهی محور مقاومت در تحولات منطقه غرب آسیا (از طریق مشارکت در جنگ سوریه و مدیریت گروه‌های مقاومت) نقش‌آفرینی کند.

از سوی دیگر، قدرت‌گیری حزب‌الله لبنان در سالیان اخیر، با افزایش فشارهای ساختاری به منظور محدود ساختن نقش‌آفرینی آن‌ها همراه بوده است. قرار دادن حزب‌الله در لیست گروه‌های تروریستی، سردادن شعارهای مخالف حزب‌الله در ناآرامی‌های خیابانی، تلاش برای ایجاد بدبینی فراگیر نسبت به حزب‌الله از طریق خرابکاری در بندر بیروت، به استعفا کشاندن دولت حسن دیاب و تلاش برای خلع سلاح منطقه‌ای از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در این زمینه به شمار می‌رود. هرچند ضعف‌های ساختاری لبنان، برقرار بودن تهدید رژیم صهیونیستی و حمایت‌های ایران حکایت از تداوم حضور قدرتمندانه حزب‌الله دارد.

در عین حال، در یک تصویر کلان‌تر، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در حمایت از گروه‌های دفاعی - امنیتی مردم‌نهاد از جمله حزب‌الله لبنان به منظور ایجاد یک ائتلاف سیاسی - نظامی مؤثر با هدف افزایش ضریب امنیت ملی، ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان و گسترش عمق راهبردی نتایج مثبتی داشته است. تبادل آتش اخیر حزب‌الله لبنان به عنوان متحد تهران در برابر ارتش رژیم صهیونیستی، نشان از تداوم معادله بازدارندگی محور مقاومت به رهبری ایران در برابر تل آویو داشته است. در نهایت، راهکارهای زیر به منظور حفظ و گسترش عمق بخشی ایران در لبنان پیشنهاد می‌شود:

- جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با توجه به بحران مالی لبنان، از طریق گسترش صادرات کالاهای خود، ضمن شکستن بن‌بست اقتصادی این کشور و گشودن بازار



- جدید برای کالاهای خود، موقعیت متحدان شیعی خود را در سپهر سیاسی و اجتماعی لبنان تقویت کند. همان‌طور که دو اقدام اخیر ایران در شش ماه گذشته، یعنی ارسال مواد غذایی و سوخت به لبنان با استقبال مردم این کشور مواجه شد.
- جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با توجه به ضعف لبنان در صنایع مادر، به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی و همکاری با دولت لبنان در زمینه استحصال محصولات پتروشیمی بپردازد. این امر با توجه به در پیش بودن مذاکرات ترسیم مرز دریایی لبنان- رژیم صهیونیستی و ذخایر نفت و گاز این منطقه، اهمیت دو چندان دارد و می‌تواند به تقویت اقتصادی لبنان کمک کند.
 - کمک به احیای مجدد بخش کشاورزی و صنعت، اصلاح‌بخش برق، توسعه حمل‌ونقل عمومی و کمک به بهبود نظام سلامت از دیگر اقدامات اقتصادی- رفاهی است که جمهوری اسلامی ایران در لبنان می‌تواند انجام دهد.
 - در حوزه نظامی نیز، تجهیز هرچه بیشتر حزب‌الله لبنان به انواع موشک و پهپادهای نظامی توسط ایران می‌تواند به افزایش ضریب بازدارندگی محور مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی منجر شود.
- مجموع این اقدامات می‌تواند به افزایش مقبولیت و مشروعیت حزب‌الله لبنان بیانجامد. امری که به معنای تضمین هرچه بیشتر کنشگری آن‌ها در سپهر سیاسی لبنان، تداوم عمق‌بخشی محور مقاومت در شرق مدیترانه و افزایش ضریب امنیتی آن خواهد بود.

منابع

فارسی

- اسمیت، استیو، هدفیلد، امیلیا و تیم دان (۱۳۹۱)، سیاست خارجی، نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، محسن محمودی و ایوب کریمی، تهران: سمت
- انوشه، ابراهیم (۱۳۸۸)، جنگ ۳۳ روزه لبنان و بازیگران آن، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۱۵۶-۱۳۹.
- بابایی، گل علی (۱۳۹۶)، پیام ماهی‌ها: سرگذشتنامه سردار شهید حسین همدانی، تهران: مرکز مطالعات پژوهشی ۲۷ بعثت.
- برجاوی، محمد (۱۳۹۷)، جمعیت امداد بر اساس کمک خیرین لبنانی فعالیت می‌کند؛ خبرگزاری ایرنا، ۲۰ خرداد ۱۳۹۷، <https://www.irna.ir/news/82938460>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۵)، اذعان یک دیپلمات اروپایی به نقش تأثیرگذار حزب‌الله در لبنان، ۲۶ تیر ۱۳۹۵، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/95040114634>
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۹)، سفیر روسیه: حزب‌الله در ثبات لبنان نقش اساسی دارد، ۲ شهریور ۱۳۹۹؛ قابل دسترس



در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/06/02/2333459>

دو‌پچه وله فارسی (۱۳۹۲)، حزب‌الله سیاست لبنان را فلج می‌کند، ۱۸ اسفند ۹۲، قابل دسترس در: <https://www.dw.com/fa-af>

دو‌پچه وله فارسی (۱۳۹۶)، نقش پر قدرت حزب‌الله در مناقشات خاورمیانه، ۳ شهریور ۱۳۹۶، قابل دسترس در: <https://www.dw.com/fa-af>

دیپلماسی ایرانی (۱۴۰۰)، محصولات ایرانی در فروشگاه‌های حزب‌الله لبنان، ۲۸ فروردین ۱۴۰۰، قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2001839>
 ساسانیان، سعید (۱۳۹۷)، ارزیابی تغییرات الگوی بازدارندگی حزب‌الله در برابر رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۱، شماره ۷۹.

طارمی، کامران (۱۳۹۸)، انگیزه‌های جمهوری اسلامی ایران از ارائه کمک‌های خارجی (مطالعه موردی: فعالیت‌های وزارت جهاد کشاورزی در لبنان، ۱۳۸۲-۱۳۶۷)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، شماره ۱.

مبینی، محمد و بهزاد قاسمی (۱۳۹۸)، دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سیدحسن نصرالله و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۲، شماره ۴۴.

نصرالله، سید حسن (۱۳۹۳)، همه اعضای حزب‌الله خود را سرباز امام خامنه‌ای می‌دانند، خبرگزاری رسا، ۸ مهر ۱۳۹۳: قابل دسترس در: <https://rasanews.ir/fa/news/223250>

هیل، کریستوفر (۱۳۸۷)، ماهیت متحول سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عربی

السید حسن نصرالله (۲۰۱۶)، السعودية رأس حربة المشروع ضد المنطقة.. واستهداف سوريا هو استهداف للمقاومة، المنار، ۶ مايو ۲۰۱۶. متواجد في: <https://www.almanar.com.lb/212177>

السید حسن نصرالله (۲۰۱۶)، النص الكامل لكلمة السيد نصرالله في ذكرى اربعين القائد الجهادي الكبير الشهيد مصطفى بدرالدين، المنار، ۲۴ يونيو ۲۰۱۶. متواجد في: <https://www.almanar.com.lb/397021>

السید حسن نصرالله (۲۰۱۷)، نکتہ تاریخ المنطقة... لا لبنان، الاخبار، ۱۱ سبتمبر ۲۰۱۷. متواجد في:

<https://al-akhbar.com/Politics/237618>

لفرانس ۲۴ (۲۰۱۵)، حسن نصرالله يهاجم السعودية في خطاب ألقاه بمناسبة يوم القدس، ۱۰ يوليو ۲۰۱۵. متواجد في: <https://www.france24.com/ar/20150710>

انگلیسی

Alagha, Joseph (2011), Hizbullah's Documents: From the 1985 Open Letter to the 2009 Manifesto, Amsterdam: Pallas Publications.

Al-Houthi, Abdolmalek (2018), "we are ready to fight alongside Hezbollah against Israel", Al-Akbar, 23 March 2018, <https://al-akhbar.com/Yemen/246826>.

Al Jazeera (2014), "Hezbollah man dies on "jihad duty" in Iraq", 31 July 2014. See: <https://www.aljazeera.com/news/MIDDLEEAST/2014/07/HEZBOLLAH-MAN-DIES-JIHAD-DUTY-IRAQ-20147302029917675.HTML>.

Allers, Jackson (2006), "Hezbollah Ahead of Govt Again," inter Press Service, September 20, 2006. <http://www.ipsnews.net/2006/09/mideast-hezbollah-ahead-of-govt-again>

Al-Mughrabi, Nidal (2017), "After Syria fall-out, Hamas ties with Iran restored: Hamas Chief", Reuters, 28 August 2017. See: <https://www.reuters.com/article/us->



- palestinians-hamas-iran.
- American Enterprise Institute (2018), "The Qayis al-Khazali Papers", Tactical Interrogation Reports 28, 48 and 54. See: <http://www.aei.org/spotlight/qayis-al-khazali-papers>.
- Blanford, Nicholas (2011), *Warriors of God: Inside Hezbollah's Thirty: Year Struggle Against Israel*, New York: Random House.
- Bhuta, Nehal (2012), "Measuring Stateness, Ranking Political Orders: Indexes of State Fragility and State Failure", EUI Working Papers LAW No. 2012/32 (December 2012), <https://ssrn.com/abstract=2201482>
- Cambanis, Thanassis, Esfandiary, Dina, Ghaddar, Sima (2019), *Hybrid Actors: Armed Groups and State Fragmentation in the Middle East*, New York: The Century Foundation Press.
- Cordesman, Anthony (2007), "Lessons of the 2006 Israeli-Hezbollah War", 14 November 2007. see: <https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/>
- Dehghanpisheh, Babak (2014), "Special Report: The fighters of Iraq who answer to Iran", Reuters, 12 November 2014. see: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-militias-specialreport/special-report-the-fighters-of-iraq-who-answer-to-iran>
- El-Husseini, Rola (2008), "Resistance, Jihad, and Martyrdom in Contemporary Lebanese Shia Discourse," *Middle East Journal* 62, no.3, pp. 399-414.
- Gardner, Frank (2006), "Hezbollah missile threat assessed", BBC News, 3 August 2006, HTTP://NEWS.BBC.CO.UK/1/HI/WORLD/middle_east/5242566.stm.
- International Institute for Strategic Studies (2019), "Iran's Networks of Influence in the Middle East", November 2019. See: <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier/iran-19-03-ch-1-tehrans-strategic-intent>.
- Jackson, Robert (1991), *Quasi-States: Sovereignty, International Relations and the Third World*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Khoury, Jack (2017), "Nasrallah Admits: Hezbollah Smuggled Advanced Arms into Gaza", *Haaretz*, 20 November 2017, <https://www.haaretz.com/middle-east-news/nasrallah-admits-hezbollah-smuggled-advanced-arms-into-GAZA-1.5467043>
- Love, James (2010), *Hezbollah: Social Services as a Source of Power*, Florida: Joint Special Operations University.
- Maksad, Firas (2020), "Lebanon's Halloween Government", *Foreign Policy*, January 22, 2020, see: <https://foreignpolicy.com/2020/01/22/lebanons-halloween-government>
- Mcinnis, Matthew (2016), "Iranian Deterrence Strategy and Use of Proxies", *The American Enterprise Institute*, November 29, 2016, p.p:1
- Meyerle, Jerry (2014), "Is the Islamic State a Terrorist Group or an Insurgency"?, *Defense One*, October 3, 2014. see: <https://www.defenseone.com/ideas/2014/09/ryan-crocker-iraqs-role-long-war-against-isil/95273-8>.
- Myre, Greg (2006), "Qana Raid Revives 96 Agony", *The New York Times*, July 31, 2006. see: <https://www.nytimes.com/2006/07/31/world/middleeast/31qana.html>
- Mumford, Andrew (2013), *Proxy Warfare and the Future of Conflict*, *The RUSI Journal*, Vol.158(2), pp.40-46
- Nakhoul, Samia (2013), "Special Report: Hezbollah gambles all in Syria", *Reuters*, 26 September 2013, <https://www.reuters.com/article/us-syria-hezbollah-special-report-idUS-BRE98P0AI20130926>.
- Norton, Richard (2007), "The Role of Hezbollah in Lebanese Domestic Politics", *The International Spectator*, Vol. 42, No. 4, 475-491. DOI: 10.1080/03932720701722852
- Norton, Richard (2014), *Hezbollah: A Short History*, US: Princeton University Press.
- Pew Research Center (2017), "Concerns about Islamic Extremism on the Rise in the Middle East: Negative Opinions of al Qaeda, Hamas and Hezbollah Widespread", 1 July 2014, p. 7. See: [http:// ASSETS.PEWRESEARCH.ORG/WP-](http://ASSETS.PEWRESEARCH.ORG/WP-)



- Ranstorp, Magnus (1997), *Hizballah in Lebanon: The Politics of the Western Hostage Crisis*, London: Macmillan Press.
- Reuters (2017), "Hezbollah says future Israel war could draw fighters from Iran, Iraq, elsewhere", 23 June 2017. <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-hezbollah/hezbollah-says-future-israel-war-could-draw-fighters-from-iran-iraq>.
- Rubin, Uzi (2006), "Hizballah's Rocket Campaign against Northern Israel: A Preliminary Report", *Jerusalem Center for Public Affairs, Jerusalem Issue Brief*, vol. 6, no.10, 31 August 2006. See: <http://jcpa.org/article/hizballahs-rocket-campaign-against-northern-israel-a-preliminary-report>.
- Reisinezhad, Arash (2019), *The Shah of Iran, the Iraqi Kurds, and the Lebanese Shia*, London & New York, Palgrave Macmillan
- Sayigh, Yezid (2018), "Hybridizing Security: Armies, Militias and Constrained Sovereignty", *Carnegie Middle East Center*, October 30, 2018. Available at <https://carnegie-mec.org/2018/10/30/hybridizing-security-armies-militias-and-constrained-sovereignty-pub-77597>
- Sly, Liz & Haidamous, Suzan (2015), "Lebanon's Hezbollah acknowledges battling the Islamic State in Iraq", *Washington Post*, 16 February 2015. See: <https://www.washingtonpost.com/world/middle-east/lebanons-hezbollah-acknowledges>
- Sobelman, Daniel (2004), "New Rules of the Game. Israel and Hizbollah after the Withdrawal from Lebanon", *Jaffee Center for Strategic Studies, Memorandum 69*, January 2004. See: <http://www.inss.org.il/publication/new-rules-of-the-game-israel-and-hizbollah-after-the-with-drawal-from-lebanon>
- Spyer, Jonathan (2017), "Behind the Lines: Who is Qais al-Khazali, and why should you care?", *Jerusalem Post*, 15 December 2017. See: <https://www.jpost.com/Arab-Israeli-Conflict>
- Stengel, Frank & Baumann, Rainer (2017), *Non-State Actors and Foreign Policy*, Oxford Research Encyclopedia of Politics, pp:1-33.
- United Against Nuclear Iran Foundation (2019), *Hezbollah's Organizational Chart*, January 2019. See: <https://hezbollah.org/organizational-chart>
- United Nations Security Council (2004), "Resolution 1559", September 2004, see: <HTTP://UNSCR.COM/EN/RESOLUTIONS/1559>
- Van Engeland, Anisseh & Rudolph, Rachel (2013), *From Terrorism to Politics*, Aldershot, England, Burlington, VT: Ashgate.
- Weber, Max (2004), *Politics as a Vocation*, in *The Vocation Lectures*, ed. David Owen and Tracy Strong, Indianapolis: Hackett Publishing Company.
- Winslow, Charles (1996), *Lebanon: War and Politics in a Fragmented Society*, New York & London: Routledge.